

ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران

بهرام نوازی^۱ / حاکم قاسمی^۲ / شهرام فرسائی^۳

^۱ آقای بهرام نوازی دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

^۲ آقای حاکم قاسمی دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

^۳ آقای شهرام فرسائی دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱، موسوم به برجام و اجرایی شدن آن دارای پیامدهای منطقه‌ای مختلفی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است. این مقاله در پی یافتن پاسخ‌های مناسب به این پرسش اصلی است که از منظر محافل غربی، پیامدهای خاورمیانه‌ای برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) برای جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ و پرسش فرعی مقاله این است که آیا از نگاه آنان توافق هسته‌ای منجر به ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی ایران شده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه مقاله این است که هرچند برجام، تهدید هسته‌ای را از سپهر امنیتی خاورمیانه حذف کرده است، اما در مقطع کنونی «نگرانی از هژمونی منطقه‌ای ایران» جایگزین «تهدید هسته‌ای» شده است و هرچند جمهوری اسلامی ایران هیچ تعهدی که بر اساس آن، ملزم به تغییر راهبرد منطقه‌ای خود شود را نپذیرفته است، ولی تلاش غرب این است که اجرای برجام را به تحولات منطقه خاورمیانه گره بزند.

▪ واژگان کلیدی:

برجام، سیاست خارجی، ایران، خاورمیانه، غرب.

مقدمه

هنگامی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به‌طور کلی تحلیل می‌کنیم، نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که کدام منفعت یا هدف ملی در چه مقطعی و با اجرای چه سیاستی باید دنبال شود؟ بی‌تردید در این زمینه یک سیاست خارجی مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران سیاستی است که به دنبال گسترش منافع مشخص و تأمین حداکثری منافع ملی باشد. این منفعت باید مکمل و سازگار و نه معیوب و ناسازگار با منافع و اهداف کلان کشور بوده و بر هزینه‌های آن غلبه کند.

پیامدهای منطقه‌ای توافق جمهوری اسلامی ایران با ۱+۵ در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) هم‌زمان با افزایش نقش منطقه‌ای ایران در حل بحران‌های کنونی منطقه، از جمله موضوع‌هایی است که از همان آغاز گفت‌وگوهای هسته‌ای مطرح بوده و با شکل‌گیری برجام و اجرای آن، بیش از هر زمان دیگری چهره‌ای واقعی‌تر به خود گرفت. برنامه هسته‌ای به دلیل موقعیت و جایگاه استراتژیک و دغدغه‌های امنیتی کشورهای منطقه همیشه دارای ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای بوده و لذا توافق هسته‌ای زمینه‌ساز تغییر در معادلات منطقه‌ای و رقابت‌ها و هم‌زمان فرصت‌های منطقه‌ای شده است. برخی از تحلیل‌گران معتقدند توافق هسته‌ای شکلی از محدودسازی متقابل است، به گونه‌ای که ایران ظرفیت تسلیحاتی خود را حفظ می‌کند و در مقابل، آمریکا و شرکایش تلاش می‌کنند مانع استفاده ایران از این ظرفیت شوند (Singh, 2015).

جدا از روند مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام و ارزیابی متن محور برجام و قضاوت درباره دستاوردهای آن، پیامدهای برجام در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تأمل و بررسی است. مطالعه تحلیل‌ها و برداشت‌های پژوهشگران اروپایی و آمریکایی درباره پیامدهای برجام بر سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، روایت‌گر شکل‌گیری

¹. The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

روندهای جدید «تبدیل ایران از مشکل هسته‌ای به مشکل منطقه‌ای» و «ارتباط برجام با تحولات منطقه» است.

این مقاله در پی یافتن پاسخ‌های مناسب برای این پرسش‌های اساسی است که پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ و آیا توافق هسته‌ای منجر به ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی ایران شده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه مقاله این است که هرچند برجام، تهدید هسته‌ای را از سپهر امنیتی خاورمیانه حذف کرده، اما در مقطع کنونی «نگرانی از هژمونی منطقه‌ای ایران» جایگزین تهدید هسته‌ای شده است و هرچند جمهوری اسلامی ایران هیچ تعهدی که بر اساس آن، ملزم به تغییر راهبرد منطقه‌ای خود شود را نپذیرفته است ولی تلاش غرب این است که تحولات منطقه خاورمیانه را به اجرای برجام گره بزند.

۱. سیاست خارجی ایران در دوره پسابرجام: تغییر یا تداوم؟

درحالی‌که توافق هسته‌ای در محاسبات برخی مسئولان سیاست خارجی کشور می‌بایست باعث بهبود روابط ایران با کشورها و بازیگران منطقه‌ای شود، برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران بین‌المللی بر این نظر هستند که برجام سبب هیچ‌گونه تغییری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشده و هرچند آهنگ و لحن سیاست خارجی ایران پس از برجام تغییر کرده است، ولی هرچقدر سیاست خارجی ایران در پسابرجام تغییر می‌کند، بیشتر شبیه پیش از برجام به نظر می‌رسد (Sick, 2016).

در این زمینه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا در آخرین گزارش خود (۷ ژوئن ۲۰۱۶) با عنوان «سیاست خارجی ایران» به قلم کنث کاتزمن^۱ در پاسخ به این پرسش که آیا برجام باعث تغییراتی در سیاست خارجی ایران شده است؟، می‌گوید: «رهبر ایران در مناسبت‌های مختلف اظهار کرده که توافق هسته‌ای در سیاست خارجی ایران یا در روابط با آمریکا تغییری ایجاد نخواهد کرد، درحالی‌که رئیس‌جمهور ایران بر این نظر است که برجام آغازگر

^۱. Kenneth Katzman

شکل‌گیری فضای دوستی و تعامل ایران با دنیا است». این گزارش تأکید می‌کند که پس از برجام هیچ علامتی از تغییر در سیاست خارجی ایران دیده نمی‌شود. این گزارش به حمایت ایران از بشار/اسد، تداوم آزمایش موشک‌های بالستیک، خریداری سامانه‌های جدید نظامی از روسیه، تبدیل ایران به بازیگر چالش‌برانگیز منطقه‌ای، تلاش ایران برای دستیابی به فناوری‌های مدرن موشکی و تحویل آن به متحدان منطقه‌ای‌اش، فعال‌تر شدن گشت‌زنی نیروی دریایی ایران و انجام اقدامات تحریک‌آمیز در خلیج فارس اشاره می‌کند. طبق گزارش این مرکز، ایران می‌تواند از منابع مالی خود برای استخدام مبارزان شیعه‌مذهب کشورهای مسلمان برای جنگ در سوریه و حمایت از بشار اسد و نیز حمایت بیشتر از گروه‌های مخالف در بحرین استفاده کرده و همچنین می‌تواند به قطب انرژی و تجاری منطقه تبدیل شود؛ به‌گونه‌ای که توان آمریکا را برای اعمال فشارهای اقتصادی در صورت عدم اجرای توافق هسته‌ای تضعیف کند (Katzman, 2016).

در گزارش اوت ۲۰۱۶ مؤسسه چاتم هاوس^۱ با عنوان «سیاست خارجی ایران» (این گزارش خلاصه نشست ۱۳ و ۱۴ مارس برخی از مراکز تحلیلی در دوحه است)، در مورد پیامدهای برجام آمده است: «پیام‌های متناقض وزیر امور خارجه ایران و سپاه پاسداران، نشانه سردرگمی در مورد جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای است. ایران سیاست خود در سوریه، عراق، یمن و بحرین را به‌صورت مجزا و بر اساس منافع ملی‌اش دنبال می‌کند. پس از توافق هسته‌ای در این سیاست‌ها تغییری ایجاد نشده است (Chathamhouse, 2016).

سِیما شاین^۲، پژوهشگر مؤسسه اطلاعات امنیت ملی اسرائیل (معاون سابق مدیرکل پرونده ایران در وزارت امور راهبردی رژیم صهیونیستی) با نگارش مقاله‌ای در نشریه آمریکایی «نشنال اینترست» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا برجام تغییری در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است؟ وی در پاسخ می‌گوید: «دولت ایران خواستار باز شدن درهای اقتصاد ایران به‌سوی سرمایه‌گذاری خارجی است، ولی محافظه‌کاران از باز شدن اقتصاد ایران به‌سوی غرب نگران هستند. آنها معتقدند که این موضوع در بلندمدت به نفوذ

^۱. Chathamhouse

^۲. Sima Shine

فرهنگی می‌انجامد و به‌ضرر نظام است. حفظ نظام، هدف نهایی حکومت ایران بوده و هست. جناح دولت معتقد به اجرای مدل چینی، یعنی باز بودن اقتصاد به‌رغم عدم انعطاف‌پذیری سیاسی است، درحالی‌که اردوگاه مخالف می‌گوید این مدل مشابه اقدام گورباچف در شوروی سابق خواهد بود و ممکن است تهدیدی برای کلیت نظام باشد» (Shine, 2016).

خوان سی زارته^۱، معاون سابق دستیار رئیس‌جمهور آمریکا و معاون مشاور امنیت ملی در مبارزه با تروریسم در نشست استماع کمیته بانکداری، مسکن و امور شهری مجلس سنای آمریکا ادعا کرد: رفتارهای خطرناک ایران پس از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک نیز ادامه یافته است. وی که از مخالفان برجام است در این نشست با موضوع «نقش تحریم‌ها در توافق هسته‌ای ایران» گفت: «ایران پس از برجام همچنان به انواع فعالیت‌های خطرناک خود که مشمول تحریم‌های بین‌المللی بوده، ادامه می‌دهد که شامل آزمایش‌های موشکی مکرر ایران با نقض قطعنامه‌های سازمان ملل، ادامه حمایت ایران از تروریسم و پشتیبانی مستقیم تهران از عوامل تروریستی نیابتی در سراسر منطقه، استقرار نیروهای نظامی ایران در سوریه برای جنگ به نفع دولت سوریه، استمرار نقض حقوق بشر و محدودیت‌های دموکراتیک در ایران، بازداشت دو شهروند ایرانی-آمریکایی در اکتبر ۲۰۱۵ و فوریه ۲۰۱۶ و ادامه حبس آنها، اسیر کردن ملوان‌های نظامی آمریکایی توسط نیروی دریایی ایران در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶ و پخش فیلم اسارت آنها، و تداوم توسعه ظرفیت‌ها و توانایی سایبری ایران و دست داشتن در حملات سایبری به سایت‌های دولتی آمریکا می‌شود» (Zarate, 2015).

گری سیک، استاد دانشگاه کلمبیا بر این نظر است که ایران هیچ‌کدام از سیاست‌های بنیادی خود در منطقه را تغییر نداده و همچنان به حمایت خود از حزب‌الله در لبنان و دولت بشار اسد در سوریه و مخالفت با رژیم اسرائیل و سیاست‌های دولت عربستان در بحرین، یمن و سوریه ادامه می‌دهد. برجام فقط درباره یک موضوع و آن هم برنامه هسته‌ای ایران و در پی تغییر رفتار ایران در حوزه سیاست خارجی یا درباره رعایت حقوق بشر نبود. فقط این امید وجود داشت که شاید برجام بتواند آغازی برای تغییر روند در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایران باشد (Sick, 2016).

^۱. Zarate

پارلمان اروپا گزارشی با عنوان «راهبرد اتحادیه اروپا در روابط با ایران پس از توافق هسته‌ای» منتشر کرده و بر این نظر است که: «هرچند ایران وانمود می‌کند برای ترمیم شکاف‌های موجود در روابط خود با کشورهای منطقه تلاش می‌کند، ولی این کشور فعالیت‌های مخرب خود را رها نکرده است. کشورهای منطقه نگران سیاست‌های توسعه‌طلبانه ایران هستند. این امر می‌تواند به شعله‌های فرقه‌گرایی در آینده نزدیک در منطقه دامن بزند و به جنگ سرد درون منطقه‌ای منجر شود. این گزارش پیشنهاد می‌کند میان ایران و عربستان میانجیگری خارجی صورت گرفته و ایران و اتحادیه اروپا در مبارزه با داعش به تعامل و همکاری بپردازند» (European Union, 2016).

چاک فرلیچ^۱، عضو ارشد اندیشکده علوم و امور بین‌الملل بلفر هاروارد، در بخشی از گزارش شورای روابط خارجی با عنوان خاورمیانه پس از توافق هسته‌ای با ایران می‌گوید: «ایران پس از توافق هسته‌ای توسعه‌طلب شده و رژیم اسرائیل نمی‌تواند تا ابد سیاست عدم مداخله در سوریه را در پیش بگیرد» (Freilich, 2015).

واقعیت این است که برجام فقط محدود و منحصر به برنامه هسته‌ای ایران بوده است. برخی از محافل غربی این‌گونه استدلال می‌کنند که برجام در نهایت بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران تأثیر گذاشته و سبب تعدیل آن خواهد شد. با اجرای برجام، خط قرمز اسرائیل برای اقدام نظامی علیه ایران برداشته شده است (Sick, 2016).

۲. پیامدهای منطقه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران

درباره پیامدهای منطقه‌ای برجام دو روایت متفاوت وجود دارد. روایت نخست، برجام را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه می‌داند و آن را مثبت و سازنده ارزیابی می‌کند. در مقابل، روایت دوم، برجام را غیرسازنده و چالش‌برانگیز معرفی می‌کند. فرصت‌های منطقه‌ای برجام. تحلیل گرانی که برجام را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه می‌داند برای اثبات نگرش خود به نشانه‌ها و وضعیتی که بعد از وقوع برجام

^۱. Freilich

ظهور کرده اشاره و آنها را برای تایید دیدگاه خود به شرح زیر مطرح می‌کنند:

- تا پیش از امضای برجام، تشدید فشارها و تحریم‌های اعمال شده، قدرت چانه‌زنی و دیپلماسی ایران را در جهان کاهش داده بود و روابط خارجی کشور به کشورهایی خاص محدود شده بود، ولی با تحقق و اجرای برجام، جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی ارتقا و وزن دیپلماسی کشور افزایش یافته است. لغو تحریم‌های ایران به‌ویژه در بُعد بین‌المللی باعث شده است که ایران به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای مطرح شود و این روند، پیامدهای زیادی در منطقه به‌ویژه در افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین و در سطحی وسیع‌تر در جامعه بین‌الملل بر جای خواهد گذاشت؛

- با توافق هسته‌ای، کانون تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه متوجه غرب آسیا و منطقه خاورمیانه شده و تحولات رخ داده بر امنیت کشورهای منطقه تأثیرگذار است. برجام زمینه آزاد شدن سرمایه‌های بلوکه شده ایران را فراهم کرده که این امر به تقویت اقتصادی و ارتقای موقعیت سیاسی و نظامی این کشور در منطقه منجر خواهد شد (Tierney, 2016)؛

- تا پیش از برجام نزدیک به یک دهه بخش قابل توجهی از توان دیپلماسی کشور به مسئله هسته‌ای اختصاص یافته بود که با دستیابی به توافق نهایی، ایران از این مسئله رهایی یافته و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌تری در معادلات سیاسی و بین‌المللی به‌ویژه در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند. برجام، خطر به‌اصطلاح هسته‌ای ایران را از سیاست خارجی ایران حذف کرده و سرخط اخبار منطقه‌ای و بین‌المللی، دیگر نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست. در واقع آنچه پس از برجام در سیاست خارجی ایران افتاده این است که تمرکز دوازده‌ساله غرب بر فعالیت‌های هسته‌ای که در سیاست خارجی ایران انباشته شده و وقت و انرژی نخبگان فکری و ابزاری کشور را گرفته بود، از هم پاشیده است؛

- موضوع فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر به ابزاری برای پروژه ایران‌هراسی تبدیل شده بود که در شرایط کنونی و در پی تعامل بیشتر منطقه‌ای، این پروژه به حاشیه رانده خواهد شد. در واقع، دستیابی به توافق نهایی هسته‌ای، زمینه غیرامنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران و خروج از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به آرامش فضای منطقه و خوش‌بینی و تشویق کشورهای مختلف دنیا به توسعه روابط اقتصادی خود با جمهوری اسلامی ایران کمک کند؛

- اجرای برجام هم‌زمان موجب تقویت جایگاه اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران در منطقه شده و زمینه حضور مؤثر و قدرتمند اقتصادی ایران با استفاده از دسترسی به سازوکارهای نقل‌وانتقال مالی منطقه‌ای و بین‌المللی، فراهم خواهد شد. ایجاد آرامش روانی در فضای اقتصادی ایران می‌تواند به زمینه‌سازی برای توسعه روابط اقتصادی و تسهیل تجارت خارجی و منطقه‌ای منجر شود. ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌های تجاری-اقتصادی و امنیتی به‌ویژه در راستای رشد اقتصادی پایدار، نیازمند عمل باز قلب اقتصادی ایران است. سفرهای منطقه‌ای محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به کشورهای کویت، قطر، عراق، لبنان و سوریه پس از امضای برجام به‌منظور تقویت همکاری‌های تجاری و سیاسی با همسایگان عربی انجام شده است. ایران با انجام این سفرها به کشورهای عربی منطقه اطمینان داده که توافق هسته‌ای در راستای ثبات بیشتر در منطقه عمل خواهد کرد (Torabi, 2016)؛

- اجرای برجام منجر به ارتقای جایگاه راهبردی ایران در منطقه شده است؛ به‌گونه‌ای که اهمیت راهبردی ایران نزد متحدان منطقه‌ای مثل سوریه، عراق و حزب‌الله را افزایش داده است. این متحدان حل معضل راهبردی بین ایران و قدرت‌های بزرگ را نشانه اقتدار، نقش‌آفرینی و قدرت چانه‌زنی ایران در مسائل منطقه‌ای از جمله بحران سوریه تفسیر می‌کنند؛

- در سال‌های پیش از توافق هسته‌ای، تهدید هسته‌ای در مرکز همه گفت‌وگوها درباره سیاست خارجی ایران بود. سخنان بنیامین نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل و کارتونی که در آن دستیابی ایران به بمب هسته‌ای را تشریح کرده بود، دلالت بر رد کردن قریب‌الوقوع خط قرمز از سوی ایران داشت که رژیم صهیونیستی و دیگران را ناگزیر می‌کرد به گزینه نظامی روی آورند که امروز خبری از این مسائل نیست (Sick, 2016)؛

- تقویت رژیم عدم اشاعه جهانی در راستای عملیاتی کردن ایده خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی، قدرت‌های منطقه‌ای را از حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای و ایجاد رقابت تسلیحاتی هسته‌ای در خاورمیانه باز می‌دارد. به عبارتی توافق هسته‌ای ایران با اثبات عدم تمایل تهران برای حرکت به سمت تسلیحات نظامی هسته‌ای، از میزان تنش‌ها در منطقه می‌کاهد (Phillips, 2015)؛

- اهمیت ژئوپلیتیک ایران در غرب افزایش یافته است؛ به نحوی که اجرای برجام زمینه ایجاد ثبات در منطقه در راستای جلوگیری از رشد افراط‌گرایی و تروریسم و حل بحران‌های منطقه‌ای را فراهم می‌کند. اروپا با چالش‌های متعدد امنیتی از جمله موج حمله‌های داعش و سیل مهاجران از منطقه خاورمیانه روبه‌رو است. همگرایی اتحادیه اروپایی در معرض خطر بوده که نمونه آن، خروج انگلیس از این اتحادیه است. ایران می‌تواند فرصتی برای اروپا تلقی شود (Banco, 2016).

- تضمین بین‌المللی صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، مشوقی برای همکاری‌های کشورهای اسلامی منطقه با ایران در مسیر مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه است. با اجرایی شدن برجام و کاهش ایران‌هراسی در منطقه، حمایت سایر کشورهای منطقه‌ای از گروه‌های تروریستی تکفیری کمتر می‌شود؛

- برجام ظرفیت همکاری‌های بیشتر بین قدرت‌های جهانی با جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با گروه تروریستی داعش به‌عنوان مهم‌ترین تهدید منطقه را دارد.

تهدیدات منطقه‌ای برجام. تحلیلگران روایت دوم از پیامدهای منطقه‌ای برجام بر این نظر هستند که هرچند برجام، خطر هسته‌ای ایران را از سیاست خارجی ایران حذف کرده، ولی سرخط اخبار منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جای نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به ترس از جاه‌طلبی‌های هژمونیک و خیانت آمریکا به کشورهای عربی تغییر کرده است. برخی از کارشناسان بر این نظر هستند که با وجود تأثیرات روانی کوتاه‌مدتی که برجام در بعد منطقه‌ای به‌جای گذاشته، این توافق به‌واسطه ماهیتش، یک مؤلفه تعیین‌کننده و کلیدی در شکل‌دهی تحولات منطقه نخواهد بود. این گروه از تحلیلگران حتی تأکید دارند که برجام می‌تواند دارای پیامدهای منفی بر روندها و تحولات سیاسی خاورمیانه باشد و رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای را تا اندازه‌ای افزایش دهد.

عمده‌ترین استدلال‌های این گروه از تحلیلگران به‌شرح زیر است:

- جمهوری اسلامی ایران پرنفوذترین بازیگر خاورمیانه است و اساساً با اتکا به قدرت منطقه‌ای خود وارد جریان مذاکره با غرب شده است، و در حال حاضر در پی آن است که از طریق برجام به این نفوذ، مشروعیت بین‌المللی ببخشد. تأثیر مستقیم برجام بر افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌حدی آشکار است که مخالفان منطقه‌ای ایران از جمله

عربستان سعودی و رقبای منطقه‌ای نظیر ترکیه به مداخلات و ماجراجویی‌های متقابل نظامی خویش در محیط پیرامونی افزوده‌اند؛

- با دستیابی به برنامه جامع اقدام مشترک، فضای بازتری برای مانور سیاسی ایران در منطقه خاورمیانه فراهم شده است، ولی برخی از کشورهای عربی منطقه ترجیح می‌دهند که انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان پابرجا باشد تا تحولات منطقه را در راستای منافع خویش مدیریت کنند؛

- با لغو یا تعلیق تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران طبق برجام، منابع مالی قابل توجهی در اختیار تهران قرار خواهد گرفت که می‌تواند در راستای سیاست‌های منطقه‌ای خویش از آن استفاده کند. *ماتئولویت*، عضو مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک در این باره می‌گوید: «رفع تحریم‌ها موجب هجوم نقدینگی ایران به سمت حمایت از حزب‌الله شده است. برخی از کشورهای عربی این‌گونه استدلال می‌کنند که دلارهای حاصل از توافق، در بحران‌های منطقه‌ای از جمله در سوریه و یمن خرج خواهد شد (Levit, 2016)؛

- در دوره پسابرجام، افزایش مداخلات نظامی ایران در سوریه باعث تغییر موازنه قدرت به نفع بشار اسد شده است. افزایش نقش و جایگاه ایران در سوریه در دوره پسابرجام با حضور نظامی در سوریه و حملات هوایی روسیه علیه دشمنان اسد در سپتامبر ۲۰۱۵ هم‌زمان شده است. همکاری نزدیک ایران و روسیه و موفقیت‌های میدانی، در عمل به تثبیت جایگاه ایران و محور تهران-مسکو در تحولات و تحکیم جایگاه ایران در موازنه قدرت در منطقه انجامیده است و تنش‌های منطقه‌ای را تشدید کرده است؛

- اقدامات ایران علیه رژیم صهیونیستی افزایش یافته است. ایران تصمیم دارد به هر خانواده شهدای فلسطینی، مبلغ هفت هزار دلار کمک کند و در صورتی که منزل یکی از مشارکت‌کنندگان در انتفاضه توسط رژیم صهیونیستی نابود شود، مبلغ سی هزار دلار به آن خانواده بدهد. ایران با دادن هزاران موشک دوربرد به حماس و جهاد اسلامی فلسطین و حزب‌الله از آنها حمایت می‌کند. شعار حک‌شده بر روی موشک‌های قدر به زبان عبری در رزمایش موشکی سپاه ایران «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود» بوده است؛

- برجام پیامدهای عمیقی بر معادلات منطقه خاورمیانه به‌ویژه بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. ایران از طریق برجام توانسته است موازنه منطقه‌ای را به نفع خودش به هم بزند. تولید و صادرات نفت ایران به حدود سه میلیون و ششصد هزار بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ افزایش می‌یابد. بانک جهانی برآورد کرده است که لغو تحریم‌ها تولید ناخالص داخلی ایران را به حدود ۵/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ و ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ خواهد رساند. تزریق سرمایه‌های بلوکه‌شده به اقتصاد ایران، این کشور را قادر می‌سازد که توازن منطقه‌ای را به نفع خودش تغییر دهد. در این شرایط جدید، جمهوری اسلامی ایران بر فراز رقابت‌های ضعیف گذشته قرار می‌گیرد (Phillips, 2015)؛

- لغو تحریم‌ها زمینه همکاری‌های استراتژیک ایران با روسیه را فراهم کرده است. خروج ایران از انزوای بین‌المللی دیپلماتیک و برقراری روابط راهبردی با روسیه و خریداری تسلیحات پیشرفته نظامی از جمله سامانه اس ۳۰۰ و مدرنیزه شدن نیروی نظامی ایران، دورنمای معادلات منطقه‌ای را نشان می‌دهد. سفر پوتین در نوامبر ۲۰۱۵ به ایران، علاقه‌مندی دو کشور به ارتقای همکاری‌های نظامی، مذاکرات ایران با روسیه برای خرید جنگنده‌های سوخو ۳۰ و تانک‌های تی ۹۰، و همکاری‌های نزدیک ایران با روسیه در سوریه در همین چارچوب قابل ارزیابی هستند (Ruff, 2016)؛

- سفر رئیس‌جمهور چین به ایران به‌عنوان نخستین سفر یک مقام خارجی به ایران پس از برجام، فضای جدید در همکاری‌های دو کشور و نقشه راه آنها برای بازگشایی جاده ابریشم قدیمی و ارتقای حجم روابط اقتصادی به ۶۰۰ میلیارد دلار را روایت می‌کند. توافق هسته‌ای، باعث تقویت روابط اقتصادی و نظامی ایران با برخی از کشورها از جمله چین، هند، و پاکستان شده است که لزوماً به نفع غرب نیست. چین و روسیه توافق هسته‌ای را در راستای افزایش چندجانبه‌گرایی در مسائل منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ غرب و تقویت ثبات ارزیابی می‌کنند (Hsu, 2016)؛

- عراق و سوریه با ناامنی و اقدامات تروریستی روبه‌رو شده‌اند و نمی‌توانند به این زودی‌ها بهبود یابند؛ مصر درگیر مشکلات داخلی و اقتصادی نامتوازن است؛ اردن با سیلی از پناهندگان سوری و گروه‌های افراطی اسلامی سرازیر شده از سوریه مواجه است؛ عربستان

که در مقایسه با ایران وابستگی بیشتری به فروش نفت دارد، با مشکلات اقتصادی ناشی از سقوط قیمت نفت روبه‌رو است؛ این شرایط، باعث ارتقای جایگاه ایران در روند تحولات خاورمیانه شده است. کشورهای عربی از نفوذ روبه‌افزایش ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن (افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران) و سرمایه‌گذاری‌های موشکی ایران نگران هستند. حضور نظامی ایران در سوریه برای حفظ بشار اسد و حمایت این کشور از گروه‌های انقلابی اسلام‌گرای شیعه در یمن و بحرین، برای کشورهای عربی قابل تحمل نیست؛

- برخی از کشورهای منطقه نگران هستند که موفقیت جمهوری اسلامی ایران در به‌سرانجام رساندن موضوع هسته‌ای در مذاکرات با قدرت‌های بزرگ جهانی، باعث قدرتمندی این کشور و تقویت نقش و نفوذ آن در منطقه شود؛

- اجرایی شدن برجام با همه تأثیرهای مثبت اقتصادی و ژئوپلیتیک آن برای ایران، نزد سعودی‌ها بی‌تردید یک باخت در صحنه معادله‌های منطقه‌ای قلمداد می‌شود و از همین‌رو عربستان توان نظامی خود را افزایش داده است. اخیراً در گزارش مؤسسه صلح اعلام شد که عربستان با حدود ۸۰ میلیارد دلار خرید تسلیحاتی، مقام سوم جهان پس از آمریکا و چین را دارا است. آمریکا بین مه ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۶ فروش تسلیحاتی به ارزش ۳۳ میلیارد دلار را به متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس تصویب کرده است. بر این اساس، عربستان سعودی یک رقابت ایدئولوژیک، فرقه‌ای و ژئوپلیتیک را بر اساس مدل حاصل جمع جبری صفر با ایران به‌راه انداخته است. ادامه شرایط فعلی می‌تواند به ماجراجویی مستقیم‌تر عربستان علیه ایران منجر شود؛

- از آغاز گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و ۵+۱، عربستان و رژیم صهیونیستی تلاش خود را برای شکست گفت‌وگوها به‌کار بردند و پس از برجام، اختلاف‌های آنها با ایران، زمینه روابط نزدیک‌تر اعراب با رژیم صهیونیستی را فراهم کرده است. تداوم این وضعیت، دورنمای روشنی را به‌تصویر نمی‌کشد؛

- تهدیدهای ایران در دوره پس‌ابرجام علیه همسایگان عربی در خلیج فارس و از جمله تلاش ایران برای رادیکال کردن جمعیت شیعه تحت حاکمیت دولت سنی بحرین، بیشتر شده است. برخی از مقامات نظامی ایران ادعا می‌کنند که بحرین، یکی از استان‌های ایران

است. ایران از حوثی‌ها که دولت تحت حمایت عربستان را ساقط کرده‌اند، حمایت می‌کند (Phillips, 2015). شورش‌های مسلح از ایران کمک‌های نظامی، مالی و آموزشی دریافت می‌کنند. عربستان سعودی، ایران را به نقض قطعنامه ۲۲۱۶ سازمان ملل و حمایت از شورش‌های حوثی در حمله به بخش‌های جنوبی یمن متهم کرده است؛ - برجام، تهدید هسته‌ای را از سپهر امنیتی خاورمیانه حذف کرده، اما اکنون نگرانی‌ها از هژمونی منطقه‌ای ایران، جای تهدید هسته‌ای را گرفته است.

۳. برجام و سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

این تحلیل وجود دارد که کشورهای عربی نگران هستند که برجام سبب شود غرب دیگر مثل گذشته نگرش مهار قدرت منطقه‌ای ایران را دنبال نکند. به باور برخی از رهبران عربی منطقه، توافق هسته‌ای سبب افزایش قدرت ایران شده و تهران سیاست‌های گسترش خواهانه خود را به ضرر منافع کشورهای عربی در منطقه دنبال می‌کند. تا پیش از برجام، عربستان امیدوار بود که آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به بهانه فعالیت هسته‌ای، مهار می‌کند، حال آنکه نه تنها نگرانی جامعه بین‌المللی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران رفع شده، بلکه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای به مذاکره مستقیم روی آورده‌اند. تماس‌های مقامات دو کشور، در مدیریت روابط و جلوگیری از تنش‌های جدید نقش داشته است. بر این اساس، همگرایی و ورود ایران به جامعه بین‌المللی پس از بیش از یک دهه تسهیل شده و این امر در تضاد با سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا است.

هرچند احتمال اتحاد ایران و آمریکا وجود ندارد و این را می‌توان به خوبی از گفته‌های مقامات دو کشور دریافت، ولی در نتیجه مذاکرات هسته‌ای، مقامات آمریکا و ایران در بالاترین سطوح با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و جان‌کری و ظریف هم به‌طور مرتب با یکدیگر ملاقات داشته‌اند. این سطح از ارتباط مستقیم، تأثیرات مثبتی داشته است، زیرا این زمینه را فراهم کرده که دو کشور بتوانند در مواقع بحرانی، مانند زمان دستگیری سربازان نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس، با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و به حل مشکل کمک کنند؛ اما همین ارتباطات، نگرانی کشورهای منطقه را نیز از نزدیکی ایران و آمریکا

برانگیخته است. کنار هم قرار دادن این نگرانی‌ها و استراتژی چرخش به آسیا در عرصه استراتژی کلان ایالات متحده، این مسئله را به متحدان قدیمی آمریکا القا کرده که آنها کنار گذاشته شده‌اند، اما واقعیت این است که آمریکا حتی اگر حضور نظامی خود را در خاورمیانه کم‌رنگ کند، منطقه را ترک نخواهد کرد. بعضی از تحلیلگران بر این نکته تأکید می‌کنند که اولویت منطقه موسوم به خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا از دو دهه اخیر از بین رفته و اولویت فعلی و آینده سیاست خارجی این کشور به شرق آسیا منتقل شده است. این تغییر اولویت، نگرانی عمیقی را برای کشورهای نظیر عربستان پدید آورده و آنها را به سمت اقتداریابی داخلی، شکل‌دهی به ائتلاف‌ها و دست زدن به اقداماتی با ریسک بالا سوق داده است (Sick, 2016).

در پاسخ به این تحلیل، کنث پولاک^۱ از مؤسسه بروکینگز در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا درباره سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه پس از توافق هسته‌ای می‌گوید: «این خطر وجود دارد که ایران رفتار آمریکای پس از توافق هسته‌ای را به‌عنوان رفع تعهد این کشور از خاورمیانه تفسیر کند. اگر این تلقی وجود داشته باشد، به این معنا است که ایران سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ای را در خاورمیانه در پیش خواهد گرفت و فرض را بر این قرار خواهد داد که آمریکا مانع حرکت‌هایش نمی‌شود» (Pollack, 2015). برخی از کارشناسان بر این نظر هستند که برجام، اساساً توافقی ناقص بوده است، زیرا به ایران این توانایی را می‌دهد که غنی‌سازی کند و درنهایت توانایی آمریکا را برای استفاده از مؤثرترین ابزارهای مالی و اقتصادی خود برای مقابله با رفتارهای خطرناک ایران محدود خواهد کرد. بر همین اساس، در تجزیه و تحلیل آمریکایی‌ها، برجام اگر مقدمه‌ای برای حل و فصل مناقشه‌های منطقه‌ای نباشد، سودمند نیست. آمریکا امیدوار است گرایش‌های توافق‌طلبانه دولت ایران و گرایش به شدت ضدایرانی عربستان سعودی در صورتی که به‌صورت «هوشمندانه» و «روش‌مند» مدیریت شوند، می‌تواند ایران را به سمت برجام منطقه‌ای بکشاند (Zarate, 2015).

¹. Kenneth Pollack

۴. برج‌های منطقه‌ای: امکان یا امتناع

در تبیین و تحلیل دورنمای تحولات خاورمیانه متأثر از پیامدهای برج‌های دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست بر این نظر است که مدل بردبرد مذاکرات هسته‌ای به‌عنوان الگویی در سطح وسیع‌تر در منطقه خاورمیانه، نیازمند شفافیت بیشتر رهبران ایران در سیاست خارجی در سطح بین‌المللی است، ولی فرهنگ راهبردی ایران مبتنی بر استقلال بوده و مفهوم وابستگی متقابل هنوز به‌خوبی مورد پذیرش ایران قرار نگرفته است. از این منظر، سیاست خارجی ایران، عرصه نزع میان دو گروه است. گروه نخست، واقع‌گرایان تدافعی که معتقد به الگوی بردبرد و اهمیت بازیگری آمریکا و عربستان هستند و گروه دوم، واقع‌گرایان تهاجمی که معتقد به روند روبه‌کاهش قدرت آمریکا و اهمیت کم عربستان هستند. از نگاه این گزارش، این امر موجب «دوگانگی در سیاست خارجی ایران» شده است؛ یک چهره، سیاست خارجی تعامل با غرب در چارچوب مذاکرات هسته‌ای و چهره دیگر، برتری هژمونیک ایران در عراق، سوریه، یمن، و بحرین را به‌نمایش می‌گذارد (Chathamhouse, 2016).

کنت پولاک، نویسنده کتاب «کدام راه به ایران» در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا درباره سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه پس از توافق هسته‌ای می‌گوید: «پس از توافق هسته‌ای، بحث‌هایی در داخل ایران مبنی بر استفاده از الگوی مذاکرات در روندی وسیع‌تر و بازگشایی روابط به‌ویژه با آمریکا وجود دارد، ولی از نظر رهبری ایران، لغو تحریم‌ها در مقابل اعمال محدودیت‌هایی خاص در برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته است؛ نه کمتر و نه بیشتر (Pollack, 2015).

بر اساس دیدگاه دوم، برج‌های دو دیدگاه غرب به‌طور کلی و آمریکا به‌طور خاص، تلاشی برای مهار قدرت ایران است. هرچند نفوذ منطقه‌ای، برگ برنده ایران در فرایند به‌سرانجام رسیدن برج‌های دو دیدگاه است، ولی آمریکا به کمک ابزارهای سنتی خود در منطقه (دلارهای سعودی، رژیم صهیونیستی، تروریسم تکفیری) در تلاش برای خارج کردن این برگ از دست ایران است. بر اساس این دیدگاه، مذاکرات هسته‌ای یک نیاز آمریکایی بوده که درنهایت ممکن است منجر به غافلگیری استراتژیک ایران در مسائل منطقه‌ای شود. در واقع، این‌گونه بیان می‌شود که آمریکا در حال ایجاد یک نظم ژئوپلیتیکی جدید منطقه‌ای و گنجانیدن توافق

هسته‌ای درون آن است و درنهایت، برجام را تبدیل به ابزاری برای کاهش مستمر قدرت منطقه‌ای ایران خواهد کرد.

در چارچوب همین سیاست، کارشکنی‌های منطقه‌ای ایران به‌معنای اختلال در روند اجرای برجام تفسیر خواهد شد و این‌گونه بازتاب می‌یابد که اگر ایران همچنان از فعالیت‌های تحریک‌آمیز و خطرناک در منطقه دست بردارد و به‌طور آشکار نشان ندهد که می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر قابل‌اعتماد و شفاف در نظام مالی تعامل کند، در موضعی نخواهد بود که به‌طور کامل به جامعه بین‌المللی بازگردد. ایران باید تصمیم بگیرد که آیا از استانداردها و هنجارها و تعهدات بین‌المللی پیروی می‌کند، یا خیر. اگر از این موارد پیروی نکند، همچنان محیطی مخاطره‌آمیز برای هرگونه تجارت خارجی خواهد بود، ولو اینکه فرصت‌های جذابی در این کشور به‌وجود آمده باشد (Zarate, 2015).

نتیجه‌گیری

بررسی روندهای موجود منطقه‌ای نشان می‌دهد که آمریکا در دوره پس‌ابرجام تلاش می‌کند با روندسازی‌های خود، روایت جدیدی از برجام را به‌نمایش گذاشته و لذا امیدوار به ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. ولی آیا قرار بوده توافق هسته‌ای به تغییراتی در سیاست خارجی ایران منجر شود و مقدمه‌ای برای حل‌وفصل معضلات خاورمیانه باشد؟ هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در سخنرانی‌اش در مؤسسه بروکینگز در این‌باره می‌گوید: «باید به توافق هسته‌ای در سیاست و بستری گسترده‌تر نگریست. این سیاست باید شامل استراتژی جامع منطقه‌ای که منجر به ثبات و مقابله با افراط‌گرایی می‌شود، باشد. حالا ما یک توافق هسته‌ای بلندمدت داریم و سیاست گسترده‌تر در قبال ایران به‌معنای اتخاذ یک دستور کار معنادارتر با این کشور خواهد بود. با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که درباره پیامدهای منطقه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران وجود دارد، تاثیرات گسترده و متنوع است. این تاثیرات از یک سو فضایی را بوجود می‌آورد که ایران تلاش می‌کند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های پیش آمده، استفاده کند. از سوی دیگر هیچ علائم و نشانه‌ای در متن برجام که ایران را ملزم به تغییر راهبرد منطقه‌ای

خود کند، وجود ندارد. بنابراین در کوتاه و میان مدت در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تغییری ایجاد نخواهد شد. در واقع برجام تنها توافقی هسته‌ای به شمار می‌رود که سایر اختلافات ایران با غرب را در حوزه‌های امنیتی یا سیاسی در بر نمی‌گیرد. علائم و نشانه‌ها هم نشان می‌دهد که در ایران زمینه‌ای برای سرایت دادن توافق برجام به حوزه‌های دیگر و از جمله شکل دادن برجام منطقه‌ای تا این مقطع وجود ندارد. با این وجود با توجه به اینکه بررسی دقیق و جامع از پیامدهای منطقه‌ای برجام نیازمند گذر زمان است و به سهولت نمی‌توان همه ابعاد آن را شناخت، پیامدهای بلند مدت منطقه‌ای برجام متاثر از شرایط داخلی، روندهای منطقه‌ای و تحولات بین‌المللی خواهد بود.

منابع

Anderson Banco, Erin (2016), "Brexit Impact: UK Could Drop Sanctions to Trade with Iran", **International Business Times**, available at:

<http://www.ibtimes.com/brexit-impact-uk-could-drop-sanctions-trade-iran-388271>.

Chathamhouse (2016), "Iran's Politics and Foreign Policy", Chatham House, available at: <https://www.chathamhouse.org/event/irans-politics-and-foreign-policy>.

European Union (2016), "An EU Strategy for Relations with Iran After the Nuclear Deal, available at:

[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/578005/EXPO_IDA\(2016\)578005_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/578005/EXPO_IDA(2016)578005_EN.pdf).

Freilich, Chuck (2015), "The Middle East after the Iran Nuclear Deal", **Council Foreign Relation**, available at: <http://www.cfr.org/middle-east-and-north-africa/middle-east-after-iran-nuclear-deal/p36963>.

Hsu, Sara (2016), "China's Relations With Iran: A Threat to the West?" **The Diplomat**, available at: <http://thediplomat.com/2016/01/chinas-relations-with-iran-a-threat-to-the-west/>.

Katzman, Kenneth (2016), "Iran's Foreign Policy", Congressional Research Service, available at: <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>.

Levit, Matthew (2016), "Iran's Support for Terrorism under the JCPOA", **Washington Institute**, available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/irans-support-for-terrorism-under-the-jcpoa>.

Nephew, Richard (2016), "Reading Iran's Elections: Implications for Change, the Future of the JCPOA, and the Hardliner Risk", **Energy Policy**, available at:

<http://energypolicy.columbia.edu/publications/commentary/reading-iran-s-elections-implications-change-future-iran-deal-and-hardliner-risk>.

Phillips, James (2015), "The Dangerous Regional Implications of the Iran Nuclear Agreement", **Heritage**, available at:

<http://www.org/research/reports/2016/05/the-dangerous-regional-implications-of-the-iran-nuclear-agreement>.

Pollack, Kenneth M (2015), "U.S. Policy toward the Middle East after the Iranian Nuclear Agreement", **Brookings**, available at:

<https://www.brookings.edu/testimonies/u-s-policy-toward-the-middle-east-after-the-iranian-nuclear-agreement/>.

Ruff, Abdul (2016), "Growing Russia-Iran Military Relations: An Illusion?" **Oreign Policy News**, available at: <http://f.org/2016/09/02/growing-russia-iran-military-relations-illusion/>.

Shine, Sima (2016). "The Nuclear Deal is a Chance to Change Iran's Behavior", **National Interest**, available at:

<http://nationalinterest.org/feature/the-nuclear-deal-chance-change-irans-ehavior-17250>.

Sick, Gary (2016), "Regional Implications of the JCPOA", **The Daily Journalist**, available at: <http://thedailyjournalist.com/the-strategist/regional-implications-of-the-jcpoa/>.

Singh, Michael (2015), "Implications of the JCPOA for U.S. Policy in the Middle East", **Washington Institute**, available at:

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/implications-of-the-jcpoa-for-u.s.-policy-in-the-middle-east>.

Tierney, John (2016), "The Iran Deal: One Year Later, the Facts Point to Success", **Huffington Post**, available at: http://www.huffingtonpost.com/john-tierney/the-iran-deal-one-year-la_b_10948878.html.

Torabi, Nima (2016), "JCPOA: Rouhani's true Worth and Implications for Businesses in Iran", available at: <https://www.linkedin.com/pulse/jcpoa-ii-rouhanis-true-worth-implications-businesses-iran-nima-torabi>.

Zarate, Juan (2015), "The Implications of Sanctions Relief under the Iran Agreement", **Center for Strategic and International Studies**, available at: https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/attachments/ts150805_Zarate.pdf.